

بررسی بین‌کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی

محمد فاضلی، استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران*

محدثه جلیلی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، ایران

چکیده

این پژوهش رابطه بین سطح فساد و میزان اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی را بررسی می‌کند. فرضیه مقاله آن است که حکومت‌های کارا (با کیفیت حکومت زیاد)، با کاهش سطح فساد سبب افزایش اعتماد نهادی و اجتماعی می‌شوند. برای آزمون این فرضیه از سه دسته داده استفاده شده است. این مقاله با استفاده از داده‌های ثانویه نگارش شده است. داده‌های مربوط به نبودن فساد، از داده‌های سازمان شفافیت بین‌المللی، شاخص فساد ICRG، شاخص فساد مؤسسه رقابت جهانی و شاخص فساد برتلمن گرفته شده‌اند. داده‌های مربوط به متغیر اعتماد، از شاخص‌های اعتماد اینگلههارت (2005) برگرفته شده‌اند و در سه دسته اعتماد نهادی، اجتماعی و مشارکت در نهادهای مدنی استفاده شده‌اند. داده‌های مربوط به متغیر مستقل شاخص کارایی حکومت (شامل پاسخ‌گویی، کارآمدی حکومت، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات تنظیمی و حاکمیت قانون) نیز از بانک اطلاعاتی پروژه جهانی شاخص‌های حکمرانی (WGI) به دست آمده‌اند که بانک جهانی (2007-2011) آن را انجام داده است. ۴۳ کشور که اطلاعات آنها با توجه به سال‌های مدنظر در همه بانک‌های داده موجود بوده است، با استفاده از روش مقایسه بین‌کشوری و تحلیل مسیر بررسی شده‌اند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند سطح اعتماد از کارایی حکومت و سطح فساد تأثیر می‌گیرد. همچنین تأثیر سطح فساد در جامعه بر اعتماد به نهادهای فرهنگی بیشتر از اعتماد به نهادهای حکومتی و اجتماعی و بر اعتماد اجتماعی بیشتر از اعتماد به نهادهای حکومتی است.

واژه‌های کلیدی: فساد، اعتماد به نهادهای حکومتی، اعتماد به نهادهای فرهنگی، اعتماد اجتماعی، حکمرانی خوب

مقدمه و بیان مسأله

هیچ منطقه یا کشوری در جهان، از خسارت‌های فساد^۱ در امان نیست. سازمان شفافیت بین‌المللی، مقادیری تأمل‌برانگیز و اندازه‌گیری شده‌ی زیر را از میزان فساد کشورها در سال ۲۰۱۱ بیان کرده است: ۱- بیشتر کشورها نمره‌ی زیر پنج در مقیاس ۰ (بسیار فاسد) تا ۱۰ (بسیار سالم) دارند. ۲- میزان فساد ۱۸۳ کشور، نشان‌دهنده‌ی ناکامی عمومی است. ۳- براساس پیمایش اجراشده بر ۲۱ هزار نفر در ۲۰ کشور، حدود نیمی از پاسخ‌گویان در سال گذشته رشوه داده‌اند. ۴- طبق سنجش فساد جهانی این سازمان در سال ۲۰۱۱، ۵۰ درصد از شهروندان کشورهای گروه بیست^۲، تصور می‌کنند فساد در سه سال گذشته در کشورشان افزایش یافته است و تنها ۲۹ درصد از آنها فعالیت‌های مبارزه با فساد دولشان را مؤثر ارزیابی کرده‌اند. ۵- آمار بانک جهانی، کاهش ۲۱ رتبه‌ای کنترل فساد در ایران را طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۵ نشان می‌دهد.

مطالعات مختلفی تأثیر منفی فساد بر رشد اقتصادی را نشان داده‌اند. مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهند فساد، بنیان‌های مشروع بودن نظام سیاسی را به صورت مستقیم و با تأثیر بر کارایی حکومت تضعیف می‌کند و بر کیفیت حکومت، اعتماد، حمایت عمومی، رضایت و درنهایت ثبات بیشتر دموکراسی تأثیر می‌گذارد. فساد، تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای اقتصادی را تحریف می‌کند، تهدیدی برای اعتماد به حساب می‌آید و باور به مشروع بودن نظام سیاسی را به

خطر می‌اندازد (W Gray & Kaufman, 1998; Mauro, 1995; Morris & Klesner, 2010; Anderson & Yuliya, 2003; Rothstein & Eek, 2009). کنشگران نظام فاسد را می‌بینند و از قدرت سوءاستفاده می‌کنند؛ این کار سبب بیشتر شدن تقاضاهای غیرقانونی و فساد می‌شود؛ بنابراین فساد، تهدیدی برای اعتماد به حساب می‌آید. شبکه‌ی عدالت مالیاتی^۴ پیشنهاد کرده است فساد در ارتباط با اعتماد نهادی تعریف شود؛ بدین ترتیب فساد «فعالیتی است که اعتماد عمومی به سلامت^۵ قانون‌ها، نظام‌ها و نهادهای حاکم بر جامعه را تضعیف می‌کند» (Uniting Church in Australia, 2008). سوزان رز-اکرم نیز با تعریف فساد به سوءاستفاده از موقعیت عمومی برای اهداف شخصی، آن را رفتاری می‌داند که اعتماد به کارمندان دولتی را نقض می‌کند (رز-اکرم، ۱۳۸۵: ۱). صندوق بین‌المللی پول نیز فساد را سوءاستفاده از مقام دولتی یا اعتماد، برای کسب منافع خصوصی تعریف کرده است (IMF, 2005).

منظور شبکه‌ی عدالت مالیاتی و صندوق بین‌المللی پول از اعتماد در تعریف فساد، اعتماد نهادی است. نهادهای فاسد هزینه‌ی توافق‌های فاسد را کاهش می‌دهند؛ اما نهادهای کارآمد، در ارتکاب فساد نقش بازدارندگی دارند. براساس گفته‌ی رشتاین برآیند چنین وضعی آن است که اگر نهادهای عمومی فاسد سبب شوند مردم زندگی را برحسب فساد تعریف کنند، امکان رشد اعتماد اجتماعی در جامعه وجود نخواهد داشت (رشتاین، ۱۳۹۳: ۶۱). کنش فاسد از اعتماد بین‌فردی نیز تأثیر می‌گیرد. وجود شریک فاسد، ارتکاب فساد را آسان‌تر می‌کند؛ به عبارت دیگر، وجود اعتماد در ارتکاب به عمل غیرقانونی ضروری است؛ اما از نظر رشتاین و اشتول اعتماد در انجام

^۱ Corruption

^۲ http://www.transparency.org/news/feature/g20_the_anti_corruption_record

^۳ گروه بیست یا G20، انجمنی برای همکاری‌های بین‌المللی در بسیاری جنبه‌های مهم اقتصادی و مالی بین‌المللی است. کشورهای جی ۲۰، حدود ۹۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی، ۸۰٪ از تجارت جهانی و دو سوم از جمعیت جهان را شامل می‌شوند. هدف G20 هماهنگی سیاست بین اعضا برای دستیابی به ثبات اقتصاد جهانی و رشد پایدار، ترویج مقررات مالی برای کاهش خطرها و جلوگیری از بحران‌های مالی آینده و ایجاد معماری مالی بین‌المللی است. کشورهای این گروه شامل آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، روسیه، کره، ژاپن، مکزیک، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، ترکیه، انگلستان، آمریکا و اتحادیه‌ی اروپاست.

^۴ Tax Justice Network: شبکه‌ی عدالت مالیاتی از سال ۲۰۰۳ در بریتانیا شروع به کار کرده است. این مؤسسه به دنبال بررسی، پژوهش‌های سطح بالا و پشتیبانی از قانون‌ها و مقررات مالی، نقش مالیات در جامعه، فرار از مالیات و عواقب فرار از آن، پناهگاه‌های مالیاتی و مطالعات حوزه‌ی مالیاتی است. همچنین موضوع فساد در زیرمجموعه‌ی برابری و دموکراسی از موضوع‌های مطالعه‌ی تخصصی این شبکه است

(<http://www.taxjustice.net>)

^۵ Integrity

زمانی آماده مشارکت حتی در رویدادهای بسیار شایسته‌اند که به مشارکت دیگران باور داشته باشند (رئستاین، ۱۳۹۳: ۵۴). او با این توضیح چنین نتیجه می‌گیرد که رسیدن به منافع فردی عمل فاسد، نتیجه عمل جمعی کنشگران فاسد است؛ بنابراین، نوعی از اعتماد برای بروز رفتار فاسد لازم است.

رز-اکرمن با اقتباس مفهوم اعتماد از گامبتا آن را در دو معنی به کار می‌برد. از نظر گامبتا، اعتماد در ارتکاب عمل فاسد یا نتیجه بی‌اعتمادی به شایستگی و مشروع بودن دولت است که در نتیجه سازوکارهای جایگزین، به آن توجه می‌شود یا اعتماد شخصی به معنی رفیق‌بازی است (به نقل از رز-اکرمن، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۷۶). از نظر رز-اکرمن اعتماد از نوع دوم تسهیل‌گر هدیه و رشوه می‌شود. به نظر او اگر تضمین‌های قانونی امکان‌پذیر نباشد، اعتماد به همین نسبت مهم‌تر می‌شود (رز-اکرمن، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۷۶). به همین نسبت فساد و اعتماد در مفهوم مدنظر رز-اکرمن دوسویه است؛ یعنی اعتماد به ارتکاب عمل فاسد فرایند فساد را تسهیل می‌کند و فساد، بی‌اعتمادی به شایستگی و مشروع بودن دولت را بیشتر می‌کند. ارتکاب فساد، نتیجه اعتماد دست‌کم بین دو نفر یا بیشتر است. با توجه به استدلال گامبتا، اعتماد بین شخصی در کنار اعتماد به رعایت نکردن قانون‌ها و مقررات (بی‌اعتمادی به شایستگی دولت)، تسهیل‌گر فساد است و افزایش فساد در نتیجه این فرایند، بی‌اعتمادی نسبت به مشروع بودن دولت و اعتماد نسبت به آسان شدن ارتکاب فساد را افزایش می‌دهد.

فساد، اعتماد به توانایی رژیم در پاسخ‌گویی به نگرانی شهروندان را کاهش می‌دهد و بی‌اعتمادی نهادی، رشوه را در نقش روش دسترسی به تصمیم‌گیری پرورش می‌دهد (Morris & Klesner, 2010: 1258). مایکل سلیگسون براساس بررسی رابطه فساد و مشروع بودن نظام‌های سیاسی در ۴ کشور آمریکای لاتین، هزینه فساد در این کشورها را بررسی کرده و نشان داده است گسترش فساد، سبب کاهش مشروع بودن دولت‌ها می‌شود و بر روابط میان مردم و سطح اعتماد عمومی تأثیر می‌گذارد. او نشان می‌دهد با گسترش فساد، اعتماد

عمل غیرقانونی و فاسد، از نوع تعمیم‌یافته نیست؛ بلکه مبتنی بر نوع خاصی از اعتماد است که سبب بازدارندگی متقابل می‌شود؛ به این معنی که شریکان فاسد در صورت آشکار شدن عمل غیرقانونی، حاضر به کنارکشیدن از آن و از دست دادن معامله‌اند (Rothstein & Stolle, 2008: 12).

گسترش بی‌اعتمادی در جامعه، تحمل رفتار فاسد را افزایش می‌دهد و در نتیجه با ایجاد انتظار رفتار فاسد، مشارکت در عمل فاسد آسان‌تر می‌شود (Morris & Klesner, 2010)؛ بنابراین در اینجا بین دو نوع اعتماد (اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته) تمایز وجود دارد. این تمایز در تبیین رابطه فساد و اعتماد اهمیت دارد و پژوهشگران بسیاری به آن اشاره کرده‌اند (Morris & Klesner, 2010; Lavalley et al., 2008; Richey, 2010)؛ بنابراین، توجه و تمرکز اصلی این مقاله بر چگونگی سازوکارهای تأثیرگذاری کیفیت نهادها بر فساد و اعتماد است و به این سؤال پاسخ می‌دهد که کیفیت نهادی تا چه اندازه بر سطح فساد و اعتماد مؤثر است و سطح فساد در یک جامعه بر اعتماد نهادی تأثیرگذاری بیشتری دارد یا اعتماد اجتماعی.

بررسی رابطه فساد و اعتماد

پژوهشگران علیت متقابل^۱ و قوی را بین ادراک فساد و اعتماد به نهادهای سیاسی کشف کرده‌اند (Morris & Klesner, 2010). مطالعات تجربی مختلف سطح پایین اعتماد و سطح بالای فساد را در جوامع تأیید کرده‌اند (La Porta et al., 1997; Moreno Ocampo 1995; Anderson & Yuliya, 2003; Svendsen, 2003). پرادان باردان با بررسی گسترده فساد در نقش مشکلی اقتصادی، به این نتیجه رسید که فساد بیانگر نمونه‌ای از موازنه‌های مبتنی بر فروانی است: «سود موردانتظار ما از فساد اساساً به تعداد دیگر افرادی بستگی دارد که از آنها انتظار فساد داریم» (به نقل از رئستاین، ۱۳۹۳: ۴۹). این نمونه درجه اعتماد در انجام عمل فاسد و بین‌الادذهانی بودن آن را نشان می‌دهد. رئستاین این عبارت باردان را اینگونه توضیح می‌دهد که افراد

¹ Mutual causality

بین فردی کاهش می‌یابد (Seligson, 2006).

لاوال و همکاران با استفاده از داده‌های پیمایش بارومتر آفریقا^۱ در ۱۸ کشور آفریقایی به این نتیجه رسیدند که ادراک و تجربه فساد، اعتماد نهادی را تخریب می‌کند. براساس یافته‌های آنها ادراک فساد، اثر منفی تری نسبت به تجربه فساد دارد. در معادله رگرسیون، ادراک فساد ۱۸ درصد کاهش اعتماد و تجربه فساد، ۷ درصد کاهش اعتماد را تبیین می‌کند. همچنین براساس یافته‌های پژوهش آنها افزایش کیفیت خدمات عمومی (دسترسی آسان به آنها)، اعتماد نهادی را افزایش می‌دهد (Lavalee et al., 2008).

ادراک فساد اثر منفی بر اعتماد به نهادهای سیاسی دارد؛ در حالی که تجربه فساد، اعتماد عمومی به نهادهای ملی را کاهش می‌دهد. فساد، نبودن اعتماد را تقویت می‌کند و نبودن اعتماد، تلاش حکومت در بسیج جامعه در مبارزه با فساد را بی‌اثر و وعده مبارزه با فساد را بی‌اعتبار می‌کند (Morris & Klesner, 2010: 1258). رابطه متقابل قوی بین ادراک فساد و اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد. این چرخه، دام فساد تولید می‌کند و از نظر رشتاین و رز-اکرمن کشورهای فاسد در این دام گرفتار می‌شوند؛ دامی که در آن فساد، فساد بیشتری به بار می‌آورد (رز-اکرمن، ۱۳۸۵؛ رشتاین، ۱۳۹۳). این دام از نظر رشتاین، مبارزه با فساد را دشوار می‌کند: «اگر نهادهای عمومی فاسد سبب شوند مردم زندگی را فاسد تفسیر کنند، امکان رشد اعتماد اجتماعی وجود نخواهد داشت» (رشتاین، ۱۳۹۳: ۶۱).

اندرسون و یولیا نشان داده‌اند شهروندان در کشورهای فاسد، سطح‌های اعتماد پایین‌تر و ارزیابی بدتری از نظام سیاسی دارند (Anderson & Yuliya, 2003). پورتا استدلال می‌کند که فساد مانع عملکرد دولتی است و اعتماد شهروندان به توانایی دولت در رسیدگی به خواسته‌هایشان را کاهش می‌دهد. فساد هم تحریف‌کننده منافع عمومی است هم منابع و فعالیت‌های اداری را به مناطقی معطوف می‌کند که منافع

حاشیه‌ای فساد در بیشترین حد است (Porta, 2000). چو و کروین معتقدند بی‌اعتمادی نهادی سبب می‌شود مردم برای دسترسی به خدمات عمومی رشوه دهند و این به نوبه خود سبب افزایش تجربه فساد و ادراک گستردگی آن می‌شود (Cho & Kirwin, 2007).

برونسکو رابطه علی بین فساد و سرمایه اجتماعی را در کشورهای اروپایی آزمون کرده است. او از داده‌های فساد سال 2002 سازمان شفافیت بین‌الملل و داده‌های پیمایش ارزش‌های اروپاییان (2002) استفاده کرده است؛ این داده‌ها مربوط به ۲۹ کشور اروپایی بوده است (درصد پاسخ بله به این سؤال که به‌طور کلی فکر می‌کنید بیشتر مردم قادرند اعتمادکردنی باشند). داده‌های اعتماد تعمیم‌یافته، برگرفته از پیمایش دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۳ پیمایش جهانی ارزش‌ها (Inglehart et al., 2014) درباره کشورهای است که داده‌های آنها در پیمایش ارزش‌های اروپاییان موجود نبوده است. او به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد که آیا سرمایه اجتماعی علت کاهش فساد است یا نه. اثر سرمایه اجتماعی بر فساد در کار او قوی برآورد شده است (ارتباط خطی فساد و اعتماد تعمیم‌یافته در کار برونسکو برابر با ۰/۷۳ است). با کنترل سطح توسعه اقتصادی، این اثر اندکی کمتر می‌شود؛ اما در کار او، جهت علی معکوس (تأثیر فساد بر اعتماد اجتماعی) ضعیف است. او همچنین اظهار می‌دارد که ممکن است سرمایه اجتماعی با سرمایه‌گذاری در آموزش، علاقه به جامعه و سطح درآمد، دوباره در جامعه توزیع شود که سبب کاهش فساد می‌شود (Bronskov, 2003). در همین زمینه، سونسن در مطالعه‌ای توصیفی این فرضیه را در اروپای شرقی و غربی آزمون و تأیید می‌کند که تمرکز قدرت در نظام سیاسی به علت انحصار قدرت بوروکرات‌ها سبب فساد می‌شود و فساد نیز سبب سطح پایین‌تر سرمایه اجتماعی خواهد شد. او با استفاده از داده‌های اعتماد اینگلهارت (اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت مدنی براساس فرضیه پاتنام) و داده‌های ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل و مقایسه جدول‌ها و میانگین وزنی فساد و

¹ www. Afrobarometer.org

فعالیت اجتماعی درگیرند، نسبت به کسانی که با کارمندان اداری تعامل دارند، بیشتر آنها را فاسد می‌دانند. این یافته آنها نشان می‌دهد مباشرت مستقیم با مقامات محلی سبب کاهش ادراک فساد می‌شود (Morris & Klesner, 2010).

مطالعه ریچی (2010) و چانگ و چو^۳ (2006) نیز در مسیر یافته پژوهشگران دیگر است. ریچی اثر فساد دولتی بر اعتماد تعمیم یافته را با این فرضیه آزمون کرده است: «افزایش فساد دولتی سبب کاهش اعتماد به دیگران می‌شود». او از داده‌های مطالعات پانل ملی آمریکا برای این کار استفاده کرده و به این نتیجه رسیده است که زندگی در کشورهای فاسدتر، سطح اعتماد تعمیم یافته پایین تری در پی دارد (Richey, 2010). همچنین چانگ و چو (2006) با استفاده از داده‌های بارومتر آسیا به نتایج مشابهی رسیده‌اند؛ یعنی معتقدند اعتماد بر اثر وجود ادراک فساد فرسایش می‌یابد.

رشتاین و اک^۴ (2006)، با استفاده از روش آزمایش (به‌طور موازی) در دو کشوری که سطح فساد و اعتماد متفاوتی دارند (کشور سوئد با گروهی متشکل از ۶۴ دانشجوی رومانی با گروهی ۸۲ نفری از دانشجویان)، به این نتیجه رسیدند که اعتماد به مراجع قدرت، به‌طور کلی بر ادراک اعتماد به دیگران تأثیرگذار است (اعتماد عمودی بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار است). سناریویی در این آزمایش طراحی شده است که واکنش افراد درباره درخواست کمک فوری افراد از یک مرجع قدرت (پلیس - دکتر) و درخواست یا پیشنهاد رشوه در این میان بررسی شود. هدف این بررسی، اندازه‌گیری اعتماد افقی و عمودی در سطوح مختلف مشارکت (درخواست کمک فوری) بوده است. نتایج این پژوهش برای هر دو نمونه نشان داده است انتظار رشوه در آغاز فرایند اعتماد کردن و در نتیجه اعتماد، تأثیرگذار است؛ اما نمونه رومانی، سطح اعتماد افقی پایین تری نسبت به نمونه سوئدی داشتند.

در مجموع، مطالعات انجام شده به چند نکته اشاره دارند:

اعتماد، به این نتیجه می‌رسد که کشورهای فاسدتر (کشورهای اروپای شرقی)، سطح اعتماد (اعتماد تعمیم یافته و مشارکت مدنی) پایین تری دارند و سرانه تولید ناخالص داخلی مشابهی دارند (Svendsen, 2003).

موریس و کلسنر با استفاده از داده‌های اعتماد سیاسی پیمایش امریکن بارومتر^۱ و ادراک و تجربه فساد پیمایش LAPOP^۲، نوعی علیت متقابل قوی بین ادراک فساد و اعتماد به نهادهای سیاسی کشف کرده‌اند (پاسخ‌گوییانی که ادراک فساد بالاتر داشته‌اند، اعتماد به نهادهای سیاسی‌شان پایین تر بوده است و برعکس). این دو پژوهشگر این مسئله را بررسی کرده‌اند که چگونه ادراک و تجربه فساد، اعتماد بین فردی و اعتماد سیاسی را شکل می‌دهد. آنها استدلال می‌کنند که علیت متقابل بین فساد و تخریب اعتماد در نهادهای عمومی (اعتماد نهادی)، شرایط مساعدی برای رفتار فاسد و دور باطلی را بین ادراک فساد، سطح پایین اعتماد و استمرار فساد ایجاد می‌کند. کار آنها نشان داده است مشارکت در فساد، تنها پیش‌بینی کننده سطوح پایین تر اعتماد بین فردی است. در یافته‌های آنها وقتی اعتماد بین فردی در نقش متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود، هیچ‌کدام از متغیرهای مستقل (تجربه و ادراک فساد)، پیش‌بینی کننده اعتماد بین فردی نیستند؛ اما بین ادراک فساد و اعتماد سیاسی رابطه متقابل و منفی وجود دارد. همچنین اعتماد بیشتر پاسخ‌گویان با تجربه فساد کمتر در ارتباط است. ۱۰ درصد کاهش در اعتماد نهادی، سبب ۳ درصد افزایش مشارکت در فساد می‌شود. اعتماد نهادی پیش‌بینی کننده‌ای قوی برای مشارکت در فساد است؛ اما برعکس آن صادق نیست؛ یعنی مشارکت در فساد پیش‌بینی کننده اعتماد نهادی نیست. در کار آنها آموزش با اعتماد به نهادهای سیاسی و ادراک فساد ارتباط معکوس دارد. همچنین کسانی که کمتر در

^۱ Americas Barometer (AB)

<https://www.vanderbilt.edu/lapop/about-americanbarometer.php>

^۲ LAPOP موارد ادراک و تجربه مشارکت در فساد، اعتماد بین فردی و اعتماد به

نهادهای عمومی در ملت‌های مختلف مکزیک را کشف می‌کند.

^۳ Chang & Chu

^۴ Rothstein & Eek

ج) عدالت و کارآمدی نهادها، نگرش نسبت به رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. اگر فرد شاهد رشوه‌خواری میان شهروندان باشد، خودش نیز برای برآوردن نیازهایش ممکن است چنین کاری را انجام دهد و از این طریق اعتماد او به دیگران و نظام کاهش می‌یابد؛ (د) نهادها هنگام تماس مستقیم با شهروندان ممکن است موجب تبعیض و بی‌عدالتی در حق آنها شوند و این بر اعتماد تعمیم‌یافته تأثیر منفی می‌گذارد (Rothstein & Stolle, 2008: 16-17)؛ بنابراین در نظریه نهادی، تأکید اصلی بر آن است که اعتماد از عواملی چون فساد، تبعیض و بی‌عدالتی تأثیر می‌گیرد؛ به عبارتی از نظر رتستاین و اشتول، نبودن متغیر وابسته اعتماد، از فساد و ناکارآمدی حکومتی (به عبارتی کیفیت حکومت) تأثیر می‌گیرد.

از نظر رتستاین و اشتول اگر نهادها اعتمادکردنی نباشند، به مردم نیز اعتماد نمی‌شود؛ به عبارتی، بی‌اعتمادی عمودی در سطح افقی تأثیرگذار است. در نظر رتستاین نهادها امکان محاسبه را برای افراد فراهم می‌کنند. افراد با مشاهده رشوه، نمی‌خواهند و قادر نیستند تنها در نقش کنشگر ساده لوح/سالم باشند؛ بلکه در نقش کنشگر عقلانی محاسبه می‌کنند و وارد کنش فاسد می‌شوند. به علاوه، نهادهای ناکارآمد با تبعیض و بی‌عدالتی، بر اعتماد اجتماعی فراگیر افراد تأثیر منفی می‌گذارند (Rothstein & Stolle, 2008: 16-17). نکته مهم نهفته در تبیین نظریه رتستاین و اشتول، تأکید بر کارآمدی نهادی است. آنها با این توضیح رابطه‌ای را بین ناکارآمدی نهادی، بی‌اعتمادی و فساد مطرح می‌کنند. کارآمدی نهادی یا کیفیت حکومت در ارتباط نزدیک با سیاست‌های ضد فساد است (Rothstein, 2012: 40). سازمان ملل اقدامات ضد فساد را بخشی از چارچوب حکمرانی خوب می‌داند (United Nations Office, 2007: 2). صندوق بین‌المللی پول نیز معتقد است در حکومت بد، انگیزه و فضای بیشتری برای تشویق به فساد وجود دارد؛ از این رو ترویج حکمرانی خوب را در مبارزه با فساد مهم می‌داند (IMF, 2005)؛ البته به عقیده رتستاین تأکید بر حاکمیت خوب متفاوت از سرمایه اجتماعی است و با

۱. ادراک و تجربه فساد، کاهش اعتماد نهادی را در پی دارد (در اینجا فساد، علت کاهش اعتماد در نظر گرفته شده است).

۲. دسترسی آسان به خدمات عمومی و کارآمدی نهادی، افزایش اعتماد نهادی و کاهش فساد را در پی دارد.

۳. تمرکز قدرت در نهادهای سیاسی، افزایش فساد را در پی دارد.

۴. سطح بالای سرمایه اجتماعی، فساد را کاهش می‌دهد.

۵. اعتماد بین‌فردی و اعتماد نهادی بالا، با کاهش فساد در ارتباط است (در اینجا اعتماد، علت کاهش فساد در نظر گرفته شده است).

۶. اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار است.

چنانچه پیشینه پژوهش نیز بیان داشته است، نظریه‌های تبیین‌کننده اعتماد به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: رویکرد جامعه‌محور و رویکرد نهادمحور. رویکرد جامعه‌محور مبتنی بر نظریه‌های پاتنام و شکل‌گیری اعتماد در شبکه اجتماعی و جامعه مدنی و رویکرد نهادمحور برآمده از نظریه‌های رتستاین و اشتول درباره تأثیر نهادها بر تداوم یا فرسایش اعتماد است (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). رابرت پاتنام نزدیک به دو دهه قبل، تبیینی از اعتماد بر مبنای زندگی انجمنی ارائه کرده است که نگاه جامعه‌محور نامیده می‌شود. نهادگرایان در دهه گذشته ضمن نقد دیدگاه پاتنام، کوشیده‌اند اعتماد را بر مبنای کیفیت نهادهای عمومی تبیین کنند.

با توجه به سؤال مقاله حاضر، ضروری است درباره رویکرد جامعه‌محور و نهادمحور بیشتر بحث شود. رتستاین و اشتول چهار سازوکار علی تبیین ویژگی‌های نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته را به صورت زیر مشخص می‌کنند: الف) عدالت و کارآمدی نهادی بر برداشت فرد از امنیت خود تأثیر می‌گذارد؛ به عبارت دیگر، ترس از دیگران موجب بی‌اعتمادی به آنها می‌شود؛ ب) عدالت و کارآمدی نهادها، تعیین‌کننده برداشت فرد نسبت به حافظان منافع عمومی است. اگر نهادها اعتمادکردنی نباشند، مردم نیز به یکدیگر اعتماد نخواهند کرد؛

کیفیت نهادهای حکومتی تعیین می‌شود (Rothstein, 2012). منظور از کیفیت حکومت، توانایی اعتماد‌پذیری، بی‌طرفی، نبودن فساد، شایستگی و عقلانیت در نهادهای حکومتی است. نهادهای حکومتی با کیفیت، اعتماد عمومی را تشویق و مشارکت را ممکن می‌کنند. نهادهای حکومتی بد، روحیه پایین را ترویج می‌کنند، عملکرد ضعیف را در پی دارند و حتی سبب ایجاد سازمان‌های ناکارآمد می‌شوند.

زمینه نهادی برای عملکرد نهادی در نظر پاتنام مهم است. او اعتقاد دارد مهم‌ترین عامل در توضیح حکومت خوب، درجه نزدیکی آن به ایده‌آل جامعه مدنی است. برخلاف او رشتاین و اشتول معتقدند نبودن اعتماد به نهادها، وجود فساد، رشوه و احساس ناامنی در رابطه با دیگران، بر اعتماد فراگیر تأثیرگذار است؛ به عبارت دیگر، به عقیده رشتاین، سرمایه اجتماعی در اساس، به وسیله نوعی خاص از نهادهای سیاسی تولید می‌شود؛ یعنی آن دسته از نهادهای مدیریتی که نهادهای فراگیر نامیده می‌شوند (رشتاین، ۱۳۹۳: ۲۴۴). رشتاین در تبیین الگوی خود سازوکاری سه‌بخشی پیشنهاد می‌کند:

۱. استنباط از مقامات دولتی: اگر در جامعه‌ای مقامات دولتی به جانب‌داری و فساد مشهور باشند، شهروندان معتقد می‌شوند حتی افرادی که به سبب الزامات قانونی برای عمل در خدمت مردم‌اند، اعتماد‌کردنی نیستند؛ در نتیجه به بقیه مردم نیز اعتماد نمی‌شود.

۲. استنباط از همه مردم: شهروندان وقتی می‌بینند در جامعه‌ای که اداره‌های فاسد و جانب‌دار وجود دارد، مردم برای به دست آوردن حق مسلم خود باید در فساد، رشوه و اشکال متنوع خویشاوندگرایی شرکت کنند، به این نتیجه می‌رسند که بیشتر مردم اعتماد‌کردنی نیستند.

۳. استنباط از خویشاوندان: شهروندان برای انجام کار در چنین جامعه‌ای به پرداخت رشوه، فساد و خویشاوندگرایی مجبور می‌شوند؛ حتی اگر این اعمال را از نظر اخلاقی نادرست بدانند؛ بنابراین، نتیجه می‌گیرند چون خودشان

اعتماد‌کردنی نیستند، به سایر مردم نیز اعتماد نخواهند شد. نظریه پاتنام و رشتاین در الگوهای زیر خلاصه می‌شوند:

کیفیت و کمیت جامعه مدنی ← اعتماد اجتماعی ← کیفیت حکومت ← کاهش فساد

نمودار ۱ - الگوی پاتنام: جامعه مدنی و اعتماد

مسئله پاتنام تبیین کارآمدی حکومت است و اعتقاد دارد انجمنی بودن، عامل کارآیی حکومت است. کاهش فساد بر اثر کارآیی حکومت، پیامد ارتقای کیفیت حکومت است.

کیفیت حکومت ← کاهش فساد ← افزایش اعتماد

نمودار ۲ - الگوی رشتاین و پاتنام: رابطه کیفیت حکومت و اعتماد

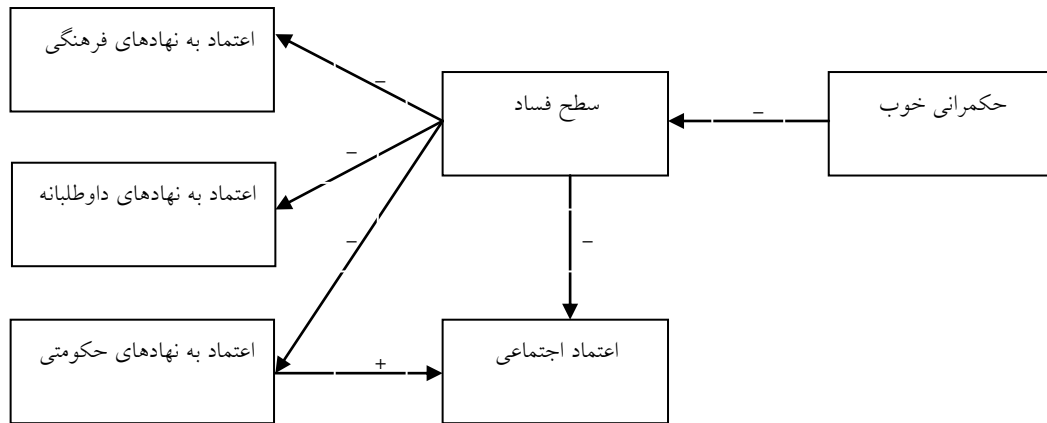
نظریه نهادگرایان با توجه به سازوکارهای نهادی توضیح می‌دهد که تفاوت کشورهای فاسد و پاک در نبودن کدام شاخص‌ها بررسی می‌شود؛ اما در الگوهای آنها، سطح فساد از شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت حکومت است؛ بنابراین، برای بررسی تأثیر کیفیت حکومت بر نبودن فساد باید شاخص کیفیت حکومت را جدای از نبودن فساد در نظر گرفت.

با توجه به نکاتی که درباره رابطه اعتماد و فساد وجود دارد و با توجه به هدف مقاله حاضر، به طور کلی رابطه فساد و اعتماد به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

۱. ادراک و تجربه فساد، کاهش اعتماد نهادی را در پی دارد (در اینجا فساد، علت کاهش اعتماد در نظر گرفته شده است). رشتاین، اندرسون، موریس و کلسنر، لاوال، سونسن و ریچی در این دسته قرار می‌گیرند.

۲. سطح بالای سرمایه اجتماعی، سطح پایین فساد را در پی دارد. برونسکو، چو و کروین در این دسته قرار می‌گیرند. بنابراین، مطالعات انجام‌شده درباره رابطه بین فساد و سرمایه اجتماعی (به طور خاص اعتماد)، بیشتر بر تأثیرگذاری

این مقاله با توجه و تأکید بر نظریه رتستاین و اشتول، به دنبال تبیین سطح فساد با بررسی تأثیر کارایی حکومت (کیفیت حکمرانی) و تأثیر سطح فساد بر اعتماد (تعمیم یافته و نهادی) است. فرضیه اصلی این پژوهش، از نظریه رتستاین و اشتول گرفته شده است که تأثیر مثبت حکومت‌های کارا بر کاهش فساد و افزایش اعتماد (نهادی و تعمیم یافته) را در نظر داشته است. الگویی که در این پژوهش آزمون می‌شود، در شکل ۱ خلاصه شده است. نهادهای کارآمد، سبب کاهش فساد می‌شوند و کاهش فساد، اعتماد نهادی - اجتماعی را افزایش می‌دهد.



شکل ۱ - الگوی نظری تبیین اعتماد

در علوم اجتماعی برای اشاره به نوع خاصی از مقایسه (مقایسه واحدهای اجتماعی کلان) به کار گرفته می‌شود. روش تطبیقی به مورد محور و متغیر محور تقسیم می‌شود و پژوهش حاضر از نوع متغیر محور است.

رویکرد متغیر محور، تناظر میان روابط شناسایی شده در جوامع و کشورها و تصورهایی را بررسی می‌کند که نظریه‌ها از پدیده‌های اجتماعی کلان ارائه می‌کنند (ریگین، ۱۳۸۸: ۹۱). در پژوهش متغیر محور، پژوهشگران عموماً روابطی را مطالعه می‌کنند که میان ویژگی‌های کلی ساختارهای اجتماعی وجود دارند و در قالب متغیرها بیان شده‌اند. روش تطبیقی

منفی فساد بر اعتماد تأکید دارند. بر این اساس در این پژوهش چند فرضیه آزمون می‌شود:

۱. سطح بالای کارآمدی نهادی، سبب ایجاد سطح پایین فساد و سطح بالای اعتماد نهادی و تعمیم یافته می‌شود.
۲. کاهش فساد، افزایش اعتماد به نهادها (حکومتی، داوطلبانه و فرهنگی) را در پی دارد.
۳. سطح پایین فساد، سطح بالای اعتماد تعمیم یافته را در پی دارد.
۴. افزایش اعتماد به نهادهای حکومتی، سطح بالای اعتماد تعمیم یافته را در پی دارد.

بنابراین پژوهش حاضر با نگاهی ساختاری، نهادها را عامل مؤثر بر سطح فساد و در نهایت سطح اعتماد می‌داند؛ به این ترتیب متغیر وابسته نهایی، اعتماد نهادی (اعتماد به نهادهای حکومتی، فرهنگی و داوطلبانه که هر کدام به صورت مجزا در نظر گرفته شده است) و اعتماد اجتماعی است. سطح فساد، متغیر واسطه و کارایی حکومت، متغیر مستقل است.

روش شناسی

روش این پژوهش، روش تطبیقی بین‌کشوری است و داده‌های ۴۳ کشور بررسی شده‌اند. اصطلاح روش تطبیقی یا مقایسه‌ای

سازمان شفافیت بین‌الملل استفاده شده است که یکی از شاخص‌های چهارگانه فساد است. این شاخص از صفر تا ده تغییر می‌کند که صفر به معنای بیشترین حد فساد و ۱۰ به معنای کمترین حد فساد است. ذکر این نکته لازم است که مؤسسه شفافیت بین‌الملل هر ساله فهرستی از کشورها و میزان فساد موجود در آنها را اعلام می‌کند. شیوه سنجش فساد در گزارش این مؤسسه به‌طور کامل بر سنجش ادراک فساد (Corruption Perception Index) متکی است. این مؤسسه گزارش سال ۲۰۱۵ خود را براساس دوازده منبع داده تنظیم کرده است. داده‌ها از دوازده منبع مختلف گردآوری و با مجموعه‌ای از محاسبات در یک مقیاس ۰ تا ۱۰ ترکیب می‌شوند. جزئیات روش شناختی این کار و منابع داده‌ای در سایت مؤسسه موجود است.

در این پژوهش از شاخص برتلسمن نیز درباره فساد استفاده شده است. این مؤسسه درباره فساد درصد پاسخ به دو سؤال کلی است: ۱- آیا ترتیب‌های نهادی مناسبی درباره سیاست‌های ضد فساد وجود دارد؟ ۲- آیا فساد به‌طور مؤثر و موفقیت‌آمیزی پیگیری می‌شود؟ این مؤسسه با بررسی حسابرسی هزینه‌های دولت، قانون‌ها و مقررات تأمین مالی احزاب، دسترسی شهروندان و رسانه‌ها به اطلاعات، شفافیت سیستم تدارکات عامه و پاسخ‌گویی مقامات از جمله اعلان دارایی، تعارض قانون‌های بهره و کدهای رفتاری به شاخصی بین ۱ تا ۱۰ می‌رسد که درباره مهار فساد به‌وسیله دولت قضاوت می‌کند. مقدار ۱ به معنای بیشترین حد فساد و ۱۰ به معنای کمترین حد فساد است. سومین شاخص به‌کاررفته درباره فساد، شاخص فساد ICRG است. ICRG ارزیابی سرمایه‌گذاران خارجی از میزان فساد در اقتصاد کشوری را منعکس می‌کند. از نظر سرمایه‌گذاران، مهم آن است که آیا احتمال دارد مقامات دولتی بلندمرتبه درخواست پرداخت‌های خاصی داشته باشند و آیا پرداخت‌های غیرقانونی مانند رشوه در سراسر سطوح پایین دولت، پروانه صادرات و واردات،

متغیرمحور، این امکان را فراهم می‌کند که با آزمون همبستگی میان متغیرها، تعمیم‌های تجربی درباره فرایندهای ساختاری تعداد زیادی از واحدهای اجتماعی کلان (معمولاً دولت - ملت‌ها) ارائه شود (ریگین، ۱۳۸۸: ۹۴). با توجه به توضیح‌های ارائه‌شده، این پژوهش سطح فساد و اعتماد در ۴۳ کشور جهان را به‌طور تطبیقی بررسی می‌کند (جدول ۴، نام این کشورها را نشان می‌دهد). داده‌های این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی مختلف تأمین شده‌اند.

با توجه به اهمیت شاخص فساد، متغیر سطح فساد از داده‌های مربوط به ۴ بانک اطلاعاتی مختلف (مؤسسه برتلسمن^۱، سازمان شفافیت بین‌المللی^۲، شاخص رقابت جهانی^۳ و مؤسسه ریسک بین‌المللی^۴) جمع‌آوری شده است و میانگین ۵ سال منتهی به آخرین سال به‌روزرسانی داده‌های در دسترس، برای بررسی در این پژوهش استفاده شده است.

بیشتر پژوهش‌های مهم بین‌کشوری، در بررسی عوامل مؤثر بر فساد از داده‌های مربوط به ادراک فساد استفاده کرده‌اند. شاخص ادراک فساد مبتنی بر سنجش نظرهای مردم و گروه‌های مختلف (متخصصان، نخبگان، اهل کسب‌وکار و...) درباره میزان رواج فساد در جامعه‌شان است. اطلاع‌نداشتن مردم از میزان واقعی فساد و ذهنی‌بودن این شاخص (فاضلی، ۱۳۸۸: ۵۶)، دو مورد از مهم‌ترین انتقادهایی است که بر این شاخص وارد است؛ بنابراین، با توجه به انتقادهای موجود بر روش ادراک فساد از سال ۲۰۰۳، روش تجربه فساد به بررسی دیدگاه عموم مردم درباره میزان فساد در کشورها، تلاش دولت‌ها در مبارزه با فساد، دلیل‌های پرداخت رشوه و نگرش نسبت به گزارش فساد توجه دارد. سازمان شفافیت بین‌المللی از هر دو روش برای اندازه‌گیری فساد استفاده می‌کند. در این پژوهش از شاخص ادراک فساد

¹ www.bertelsmann.com

² www.transparency.org

³ www.weforum.org

⁴ www.prggroup.com

می‌دهند. خروجی تحلیل عاملی نشان می‌دهد هر ۴ شاخص مربوط به فساد در یک عامل جای می‌گیرند؛ یعنی همه شاخص‌ها یک‌بعدی‌اند و یک چیز را می‌سنجند. همچنین بار عاملی همه متغیرها بین ۰/۸۰۸ تا ۰/۹۷۵ است و نشان می‌دهد عامل مشترک، تبیین‌کننده واریانس متغیرهاست. نمره نهایی به‌کاررفته برای متغیر وابسته براساس محاسبه نمره فساد کشورها در مقیاسی بین صفر تا صد (نمره نهایی نبودن فساد) محاسبه شده است. نمره صد نشان‌دهنده کمترین حد فساد است.

جدول ۱ - تحلیل عاملی شاخص نبودن فساد

شاخص KMO	۰/۶۲۵
کای اسکوتر	۲۴۷/۱۲۹
درجه آزادی	۶
سطح معنی‌داری	.۰۰۰

معاملات، مالیات، امنیت‌های پلیسی یا دادن وام معمول است یا نه. این شاخص در نهایت به نمره‌ای بین صفر تا شش می‌رسد که صفر به معنای بیشترین حد فساد و شش به معنای کمترین حد فساد است. آخرین شاخص استفاده‌شده برای سنجش فساد در این پژوهش، شاخص فساد مؤسسه رقابت جهانی است که پرداخت‌های غیرمجاز و رشوه را در نقش شاخص فساد (شاخصی بین ۱ تا ۷) ارزیابی می‌کند.

در نهایت با کمک تحلیل عاملی ۴ شاخص فساد (مؤسسه برتلسمن، سازمان شفافیت بین‌المللی، شاخص رقابت جهان و مؤسسه ریسک بین‌الملل)، نشان داده شده است این شاخص‌ها ترکیب‌شدنی‌اند و یک چیز را می‌سنجند؛ به عبارتی، با تحلیل عاملی این چهار شاخص و استفاده از نمره عاملی، شاخص ترکیبی فساد به دست می‌آید (جدول ۱). آماره KMO برای تحلیل عاملی ۴ بانک داده فساد برابر با ۰/۶۲۵ است. در مجموع، داده‌ها ۷۵/۶۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند که تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی را نشان

جدول ۲ - ماتریس بارهای عاملی شاخص‌های نبودن فساد

شاخص فساد (BTI)	شاخص فساد (ICRG)	شاخص فساد (EFW)	شاخص فساد (CPI)	شاخص‌ها
۸۰۸	۸۱۴	۸۷۲	۹۷۵	Component

داده‌های مربوط به متغیر وابسته اعتماد اجتماعی و نهادی، برگرفته از شاخص‌های اعتماد سنجش‌شده توسط رونالد اینگلهارت است. میانگین داده‌های اعتماد نهادی کشورهای بررسی‌شده به‌وسیله اینگلهارت در سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۸۱ در این پژوهش استفاده شده است که با افزایش میانگین بر میزان اعتماد افزوده می‌شود؛ همچنین درباره عضو شدن در انجمن‌ها، میانگین درصد اعضای فعال در انجمن‌ها طی این سال‌ها برای هر کشور در نظر گرفته شده است. داده‌های اعتماد اینگلهارت در سه دسته اعتماد نهادی (میانگین اعتماد نهادی)، اعتماد

تعمیم‌یافته (درصد افرادی که به این سؤال پاسخ مثبت داده‌اند: «به بیشتر مردم می‌توان اعتماد کرد؟») و همچنین میانگین اعتماد به همسایگان، افرادی که می‌شناسند، افرادی که برای اولین بار می‌بینند، مردم مذهب‌های دیگر و مردم ملت‌های دیگر بررسی شده است. متغیرهای مربوط به اعتماد نهادی، با استفاده از روش تحلیل عاملی در سه دسته قرار گرفته‌اند. میزان آماره KMO برای تحلیل عاملی داده‌های اعتماد نهادی اینگلهارت ۷۲۲ است که تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد.

داده‌های مربوط به متغیر وابسته اعتماد اجتماعی و نهادی، برگرفته از شاخص‌های اعتماد سنجش‌شده توسط رونالد اینگلهارت است. میانگین داده‌های اعتماد نهادی کشورهای بررسی‌شده به‌وسیله اینگلهارت در سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۸۱ در این پژوهش استفاده شده است که با افزایش میانگین بر میزان اعتماد افزوده می‌شود؛ همچنین درباره عضو شدن در انجمن‌ها، میانگین درصد اعضای فعال در انجمن‌ها طی این سال‌ها برای هر کشور در نظر گرفته شده است. داده‌های اعتماد اینگلهارت در سه دسته اعتماد نهادی (میانگین اعتماد نهادی)، اعتماد

نهادهایی که بیشتر خصلت حکمرانی دارند، نهادهایی که بیشتر جنبه فرهنگی دارند و نهادهایی که بیشتر خصلت مدنی دارند، تمایز وجود دارد؛ به عبارتی، میزان اعتماد به سه دسته نهادها از یکدیگر متمایز می‌شود.

جدول ۳، مربوط به تحلیل عاملی داده‌های اعتماد نهادی اینگلهارت است. این تحلیل براساس پاسخ ۴۳ کشور انجام شده است. این کشورها، کشورهایی بوده‌اند که هم در شاخص فساد و هم اعتماد و هم WGI داده داشته‌اند. تحلیل عاملی نشان می‌دهد در کشورهای مختلف، بین اعتماد به

جدول ۳ - تحلیل عاملی اعتماد نهادی

بار عاملی			اعتماد به نهادها	سه دسته اعتماد نهادی
عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱		
		۰/۸۹۹	پلیس	نهادهای حکومتی - تنظیمی
		۰/۸۶۷	نظام قضایی	
		۰/۷۳۵	خدمات مدنی	
		۰/۷۲۴	نیروهای ارتش	
		۰/۷۰۲	پارلمان	
		۰/۶۴۳	اتحادیه کارگری	
		۰/۶۱۰	دولت	
		۰/۵۶۵	حزب‌های سیاسی	نهادهای داوطلبانه
	۰/۹۰۹		سازمان خیریه و بشردوستانه	
	۰/۸۲۹		جنبش‌های حفاظت از محیط زیست	
	۰/۷۹۰		جنبش زنان	نهادهای فرهنگی
۰/۹۰۸			تلویزیون	
۰/۹			مطبوعات	

کیفیت حکمرانی در سال ۲۰۰۸ یک کشور، تفاوت معناداری با کیفیت حکمرانی در سال ۲۰۰۵ ندارد و بر این پایه داده‌های مربوط به بازه‌های زمانی مختلف در کنار یکدیگر تحلیل می‌شوند.

آزمون تحلیل عاملی نشان می‌دهد هر ۵ شاخص حکمرانی خوب (که شاخص کارآیی حکومت در نظر گرفته شده‌اند) یک عامل محسوب می‌شود. آماره KMO برای تحلیل عاملی، ۰/۸۱۷ است و تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد. همچنین بار عاملی همه متغیرها روی عامل پنهان «حکمرانی خوب» بین ۰/۶۸۷ تا ۰/۹۳۳ است و نشان می‌دهد عامل مشترک، تبیین‌کننده واریانس متغیرهاست؛

داده‌های مربوط به متغیر مستقل کارآیی حکومت (شامل پاسخ‌گویی، کارآمدی حکومت، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات تنظیمی و حاکمیت قانون بدون در نظر گرفتن متغیر کنترل فساد) از بانک اطلاعاتی پروژه جهانی شاخص‌های حکمرانی (WGI)^۱ استخراج شده است که توسط بانک جهانی (۲۰۱۱-۲۰۰۷) تهیه می‌شود. متغیرهایی نظیر اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، سطح فساد یا کارآیی حکومت، بسیار کلان‌اند و به سرعت تغییر نمی‌کنند؛ بنابراین، چنان نیست که نتوان بین میزان اعتماد در یک بازه زمانی و سطح کیفیت حکمرانی در دو یا سه سال بعد از آن رابطه برقرار کرد؛ به عبارتی، سطح

¹ Worldwide Governance Indicators

بنابراین نمره‌عاملی به‌دست‌آمده، در تحلیل داده‌های مربوط به WGI استفاده شده است. جدول ۴، نشان‌دهنده داده‌های استفاده‌شده، سال‌های استفاده‌شده برای هر داده و کشورهای استفاده‌شده، سال بررسی شده است. داده‌های ۴۳ کشور که در همه بانک‌های داده و با توجه به سال‌های مدنظر، اطلاعات آنها موجود بوده است، در این مقاله بررسی می‌شوند.

جدول ۴ - داده‌های استفاده‌شده، سال‌های استفاده‌شده برای هر داده و کشورهای بررسی‌شده

متغیرها	شاخص‌ها	داده‌ها و منابع آنها	سال بررسی شده
		مؤسسه برتلسمن	۲۰۰۸-۲۰۱۲
متغیر وابسته اول	سطح فساد	سازمان شفافیت	۲۰۰۷-۲۰۱۱
		شاخص رقابت جهانی	۲۰۰۵-۲۰۰۹
		مؤسسه ریسک بین‌الملل	۲۰۱۱
متغیرهای وابسته و اعتماد نهادی و اجتماعی	اعتماد نهادی (داده‌های اینگلهارت)	نهادهای حکومتی	۲۰۰۵*
		نهادهای فرهنگی	
		نهادهای داوطلبانه	
	اعتماد اجتماعی (داده‌های اینگلهارت)	درصد پاسخ مثبت به این سؤال که «به بیشتر مردم می‌توان اعتماد کرد؟» و میانگین اعتماد به همسایگان، افرادی که می‌شناسند، افرادی که برای اولین بار می‌بینند، مردم مذهب‌های دیگر و مردم ملت‌های دیگر	۲۰۰۵
متغیر مستقل	کارآیی حکومت	شاخص‌های WGI بانک جهانی	۲۰۰۷-۲۰۱۱

اتیوپی، ویتنام، بورکینافاسو، اوکراین، مالی، ترینیداد و توباگو، مصر، اندونزی، مولداوی، چین، بلغارستان، رومانی، ترکیه، برزیل، اردن، مالزی، لهستان، گرجستان، آفریقای جنوبی، شیلی، سوئیس، کانادا، استرالیا، نروژ، سوئد، فلاند، زامبیا، مراکش، مکزیک، آرژانتین، تایلند، غنا، هند، صربستان، پرو، ایتالیا، کره جنوبی، قبرس، اسپانیا، تایوان، آمریکا، اسلونی، ژاپن، اروگوئه

*آخرین نسخه موجود درباره کشور ایران مربوط به شاخص اعتماد (معروف به داده‌های اینگلهارت)، مربوط به سال ۲۰۰۵ است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل خوشه انجام گرفته و در جدول ۶ نمایش داده شده

است.

پس از توصیف متغیرهای اصلی مقاله که در جدول ۵ نشان

داده شده است، اولین تحلیل براساس خوشه‌بندی کشورها با

جدول ۵ - آمارهای توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

تعداد کشورها	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف استاندارد
۴۳	۹۷/۸۹	۲۴/۲۳	۵۰/۹۸	۲۰/۹۷
۴۳	۱/۹۱	-۱/۳۹	.۲۲	.۸۹
۴۳	۸۹/۷۲	۱۶/۱۲	۳۹/۳۲	۱۸/۳۳
۴۳	۱/۹۹	-۲/۱۷	.۰۰	۱/۰۰
۴۳	۲/۷۰	-۲/۳۷	-۱/۱۸	۱/۰۰
۴۳	۲/۶۱	-۱/۹۹	-۳/۴۶	۱/۰۰

شاخص‌های پاکي - فاسد، وضعیت حکومت‌داری و اعتماد

جدول ۵ برای مقایسه کشورهای بررسی‌شده در

است. جدول ۶ نشان می‌دهد کشورهای که وضعیت نهادهای حکومتی آنها مناسب و سطح فساد در آنها پایین است، به‌طور خوبی دارند و برعکس. عمده در اعتماد اجتماعی و اعتماد به نهادهای حکومتی رتبه خوبی دارند و برعکس.

جدول ۶ - خوشه‌بندی کشورها براساس متغیرهای اصلی با فن تحلیل خوشه

خوشه‌بندی نام متغیر	خوشه ۱ (دسته عالی)	خوشه ۲ (خوب)	خوشه ۳ (دسته بینابین)	خوشه ۴ (دسته ضعیف)	خوشه ۵ (خیلی ضعیف)
حکمرانی خوب	سوئیس، کانادا، استرالیا، نروژ، سوئد و فنلاند	هلند، شیلی، ایتالیا، قبرس، اسپانیا، تایوان، اسلوانی، ژاپن و اوروگوئه	ترینیداد و توباگو، بلغارستان، رومانی، ترکیه، برزیل، اردن، مالزی، گرجستان، آفریقای جنوبی، غنا و ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی	ویتنام، بورکینافاسو، اوکراین، مالی، مصر، اندونزی، مولداوی، چین، زامبیا، مکزیک، آرژانتین، تایلند، هند، صربستان، پرو	اتیوپی، مراکش
سطح فساد	سوئد و فنلاند	شیلی، سوئیس، کانادا، استرالیا، نروژ	آفریقای جنوبی، کره جنوبی، اسپانیا، قبرس، تایوان، ایالات متحده آمریکا، اسلوانی، ژاپن و اوروگوئه	بلغارستان، رومانی، ترکیه، برزیل، مالزی، اردن، هلند، گرجستان، هند، غنا، صربستان، پرو و ایتالیا	مصر، اتیوپی، ویتنام، بورکینافاسو، اوکراین، مالی، ترینیداد و توباگو، اندونزی، مولداوی، چین، زامبیا، مراکش، مکزیک، آرژانتین، تایلند
اعتماد اجتماعی	نروژ و سوئد	سوئیس، استرالیا و فنلاند	اندونزی، کانادا، تایلند، تایوان، ایالات متحده آمریکا	رومانی، اردن، هلند، گرجستان، آفریقای جنوبی، آرژانتین، هند، ایتالیا، کره جنوبی، اسپانیا، اسلوانی، اوروگوئه	اتیوپی، اوکراین، مالی، بورکینافاسو، ترینیداد و توباگو، ترکیه، برزیل، مالزی، شیلی، زامبیا، مراکش، مکزیک، پرو و قبرس
اعتماد به نهادهای حکومتی	ترکیه، اردن، فنلاند	نروژ، سوئد، تایلند، ایتالیا، قبرس، ایالات متحده آمریکا	ایتالی، بلاروس، استان، رومانی، ترکیه، برزیل، مالزی، اردن، هلند، گرجستان، آفریقای جنوبی، غنا، هند، اسپانیا، ژاپن و اوروگوئه	ایتیوپی، بورکینافاسو، اوکراین، ترینیداد و توباگو، اندونزی، مولداوی، رومانی، برزیل، هلند، شیلی، صربستان، کره جنوبی، تایوان، اسلوانی، اوروگوئه	مکزیک، آرژانتین، پرو
اعتماد به نهادهای فرهنگی	ویتنام	چین، مالزی، آفریقای جنوبی، غنا، هند و ژاپن	بورکینافاسو، اوکراین، مالی، اندونزی، مولداوی، بلغارستان، رومانی، اردن، شیلی، سوئیس، نروژ، زامبیا، مراکش، مکزیک، تایلند، کره جنوبی و اوروگوئه	ایتیوپی، ترینیداد و توباگو، برزیل، هلند، گرجستان، سوئد، فنلاند، آرژانتین، صربستان، پرو، قبرس، اسپانیا، اسلوانی	ترکیه، کانادا، استرالیا، ایتالیا، تایوان، ایالات متحده آمریکا

فساد و وضعیت نهادهای حکومتی، کشوری است که توانسته

جدول ۶ نشان می‌دهد کشوری مانند شیلی از نظر سطح

می‌گیرد. به نظر می‌رسد این نکته‌ها به یک مسئله روش‌شناختی و منازعه قدیمی در علوم اجتماعی درباره روش کمی و کیفی برمی‌گردد. آمار، اطلاعات ارجمندی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد؛ اما برای بررسی آنکه چرا وضعیت کشوری مانند قبرس اینچنین است، چیزی نمی‌گوید. برای فهم این نکته لازم است این کشور و کشورهای دیگر و اردن با نوع حکومت متفاوت که در دسته‌بندی مشابهی قرار دارند، به صورت موردی (مقایسه موردمحور) مطالعه شوند؛ ولی بررسی موردی در این مقاله مدنظر نیست.

است تا حدی نسبتاً خوب، فساد خود را کنترل کند و شاخص‌های مربوط به نهادهای حاکمیتی در این کشور در وضعیت مطلوبی‌اند؛ اما از نظر اعتماد به نهادهای اجتماعی و حکومتی چندان در وضعیت مناسبی نیست. کشور عربی و پادشاهی اردن با کشور ترکیه در دسته‌بندی‌های مختلف تقریباً در یک طیف قرار دارند. همچنین کشوری مانند قبرس که شاخص‌های مربوط به اعتماد نهادی آن بالاست، در دسته کشورهای قرار می‌گیرد که اعتماد به نهادهای حکومتی آن نیز در همان دسته (خوب) قرار دارد؛ اما از نظر اعتماد اجتماعی وضعیت مناسبی ندارد و در دسته کشورهای بسیار بد قرار

جدول ۷ - بررسی همبستگی بین شاخص متغیرهای مستقل و وابسته

اعتماد به نهادهای فرهنگی	اعتماد به نهادهای داوطلبانه	اعتماد به نهادهای حکومتی	اعتماد عمومی یا اجتماعی	نبودن فساد (پاکی)	کارایی حکومت
					همبستگی پیرسون
					سطح معنی‌داری
					تعداد
				۱	همبستگی پیرسون
				-	سطح معنی‌داری
				۴۴	فقدان فساد (پاکی)
				۴۴	تعداد
			۱	۰,۵۴۲**	همبستگی پیرسون
			-	۰,۰۰۰	سطح معنی‌داری
			۴۳	۴۳	اعتماد عمومی یا اجتماعی
				۴۳	تعداد
		۱	۰,۴۹۵**	۰,۳۴۴*	همبستگی پیرسون
		.	۰,۰۰۱	۰,۰۲۴	سطح معنی‌داری
		۴۳	۴۲	۴۳	اعتماد به نهادهای حکومتی
				۴۳	تعداد
	۱	۰,۰۰۰	۰,۰۹۲	-۰,۰۶۵	همبستگی پیرسون
	-	۱	۰,۵۶۱	۰,۶۷۸	سطح معنی‌داری
	۴۳	۴۳	۴۲	۴۳	اعتماد به نهادهای داوطلبانه
				۴۳	تعداد
۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۷۴	-۰,۴۴**	همبستگی پیرسون
-	۱	۱	۰,۶۴۲	۰,۰۰۳	سطح معنی‌داری
۴۳	۴۳	۴۳	۴۲	۴۳	اعتماد به نهادهای فرهنگی
				۴۳	تعداد

درباره این مشاهده اظهار نظر نمی‌شود.

همبستگی بین متغیرهای بررسی‌شده (جدول ۷) نشان می‌دهد اعتماد به نهادهای داوطلبانه به دلیل وجود داشتن رابطه معنی‌دار با متغیرهای بررسی‌شده باید از الگو خارج شود. نکته مهم، نبودن ارتباط بین سه متغیر مربوط به اعتماد نهادی است.

اطلاعات جدول ۷ نشان می‌دهد کشورهایی که سطح فساد پایین‌تری دارند و شاخص کارایی حکومت آنها بالاتر است، نهادهای فرهنگی آنها (مطبوعات و تلویزیون) نزد مردم اعتماد کمتری را جلب کرده‌اند. به دلیل در دسترس نبودن شاهد‌های کیفی و سازوکارهای درونی این کشورها، در اینجا

ضریب‌های رگرسیونی نشان‌دهنده تأثیر فساد بر سطح اعتماد اجتماعی و نهادی است؛ اما همان طور که ضریب‌های جدول ۷ نشان می‌دهند، تأثیر فساد بر اعتماد اجتماعی بیشتر از اعتماد نهادی است.

الگوی رگرسیونی با توجه به همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل بررسی می‌شود. متغیر کارایی حکومت با توجه به ضریب‌های رگرسیونی، تبیین‌کننده قوی سطح فساد است و در عین حال فساد بر سطح اعتماد تأثیرگذار است.

جدول ۸ - ضرایب رگرسیون تبیین متغیرهای بررسی شده

سطح معنی‌داری	ضرایب رگرسیون استاندارد	ضرایب رگرسیون غیراستاندارد	متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته
.۰۰۰		۴۵,۸۹۶	عدد ثابت	سطح فساد
.۰۰۰	۰,۹۳۵	۲۲,۲۹۸	کارایی حکومت	$R^2=۰,۸۷۵$
.۰۱۸		۱۵,۴۳۱	عدد ثابت	اعتماد اجتماعی
.۰۰۰	۰,۵۴۲	۰,۴۷۳	سطح فساد	$R^2=۰,۲۷۷$
.۰۳۶		-۸۴۲	عدد ثابت	اعتماد به نهادهای حکومتی
.۰۲۴	۰,۳۴۴	۰,۰۱۶	سطح فساد	$R^2=۰,۰۹۷$
.۰۰۶		۱,۰۷۹	عدد ثابت	اعتماد به نهادهای فرهنگی
.۰۰۳	-۰,۴۴	-۰,۰۲۱	سطح فساد	$R^2=۰,۱۷۴$
.۷۰۰		۰,۱۶	عدد ثابت	اعتماد به نهادهای داوطلبانه
.۶۷۸	-۰,۰۶۵	-۰,۰۰۳	سطح فساد	$R^2=۰,۰۲۰$

احتساب آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای ذکر شده رسم می‌شود (شکل ۲).

با توجه به سطح معنی‌داری ضرایب رگرسیون کارایی حکومت، سطح فساد، اعتماد به نهادهای حکومتی، اعتماد به نهادهای فرهنگی و اعتماد تعمیم‌یافته، الگوی تحلیل مسیر با

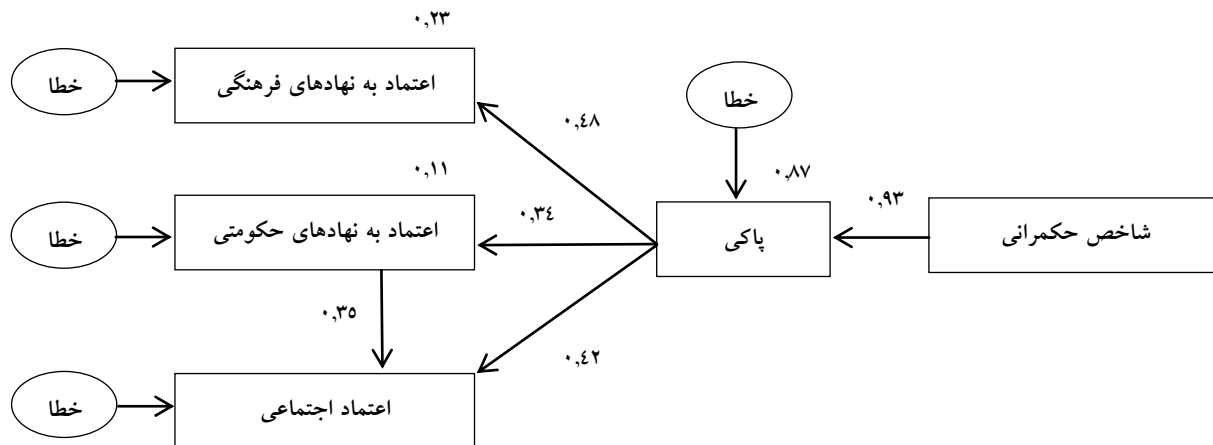
جدول ۹ - آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته^۱

سطح معنی‌داری ^۲	اثر کل	اثر غیرمستقیم	ضریب رگرسیون استاندارد (اثر مستقیم)
***	.۹۳۳	.۰۰۰	.۹۳۳
.۰۲۱	.۳۳۸	.۰۰۰	.۳۳۸
	.۳۱۶	.۳۱۶	.۰۰۰
.۰۰۶	.۳۵۳	.۰۰۰	.۳۵۳
.۰۰۱	.۵۳۹	.۱۱۹	.۴۲۰
	.۵۰۳	.۵۰۳	.۰۰۰
***	-.۴۸۲	.۰۰۰	-.۴۸۲
	-.۴۴۹	-.۴۴۹	.۰۰۰

۱ در این جدول wgi کارایی حکومت، corrupt متغیر سطح فساد است و soctrust اعتماد اجتماعی و instrust اعتماد به نهادهای حکومتی و cultrust اعتماد به نهادهای فرهنگی است.

۲ در نرم‌افزار ایموس در سطح معنی‌داری، علامت ستاره بیانگر سطح اطمینان ۰۰۱ است. رابطه‌هایی که سطح معنی‌داری آنها ۰۵ است را با اعداد و بدون ستاره مشخص می‌کند و رابطه‌هایی که برای آنها سطح معنی‌داری نوشته نشده، به آن دلیل است که سطح معنی‌داری متغیرها در اثر مستقیم آنها قید شده است.

است که متغیر corrupt - که در شکل ۲ آورده شده است - هر اندازه افزایش می‌یابد، نشان‌دهندهٔ پاک‌تری کشورهاست. نشان‌دهندهٔ بالاترین میزان فساد و ۱۰ نشان‌دهندهٔ پاک‌ترین کشورهاست. اعداد شکل را باید با توجه به این نکته تفسیر کرد.



شکل ۲ - الگوی تحلیل مسیر روابط متغیرهای مستقل و وابسته

مطالعه براساس چهار فرضیه انجام شده است:

۱. سطح بالای کارآمدی نهادی، سبب سطح پایین فساد و سطح بالای اعتماد نهادی و تعمیم‌یافته می‌شود.
۲. کاهش فساد، افزایش اعتماد به نهادها (حکومتی، داوطلبانه و فرهنگی) را در پی دارد.
۳. سطح پایین فساد، سطح بالای اعتماد تعمیم‌یافته را در پی دارد.

۴. افزایش اعتماد به نهادهای حکومتی، سطح بالای اعتماد تعمیم‌یافته را در پی دارد.

ضرایب مسیر مندرج بر شکل ۲، نشان‌دهندهٔ تأیید فرضیه‌هاست. ضریب مسیر تأثیر کیفیت حکمرانی بر پاک‌ی (نداشتن فساد) برابر با ۰/۹۳ و معنادار است. همچنین ضریب مسیر تأثیر پاک‌ی بر اعتماد به نهادهای فرهنگی، نهادهای حکومتی و اعتماد اجتماعی (اعتماد تعمیم‌یافته)، به ترتیب ۰/۴۸، ۰/۳۴ و ۰/۴۲ است و فرضیه‌ها را تأیید می‌کند؛ اما

الگوی رگرسیونی نشان می‌دهد اعتماد به نهادهای داوطلبانه، تبیین‌کنندهٔ سطح فساد نیست. نمودار مسیر نیز با استفاده از نرم‌افزار AMOS رسم شده است. در این نمودار اعداد روی نمودار نشان‌دهندهٔ ضریب استاندارد یا بتا و اعداد کنار هر متغیر بیانگر مجذور ضریب همبستگی است. یافته‌های جدول ۹ در شکل ۲ تأمل‌برانگیزتر است. ذکر این نکته لازم

همچنین شکل ۲ مسیر این ایدهٔ رتستاین را نیز آزمون می‌کند که اگر مردم به نهادهای حکومتی اعتماد نداشته باشند، آیا قادرند به سایر مردم اعتماد داشته باشند؟ شکل ۲ نشان می‌دهد اعتماد به نهادهای حکومتی با ضریب مسیر ۰/۳۵ بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار است. این یافته بیانگر قوت تأثیر اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی و تأیید نظریهٔ رتستاین است.

نتیجه

این مقاله با هدف فهم نظریهٔ تأثیر کارایی حکومت و اعتماد، بر کاهش یا افزایش فساد تدوین شده است. نتایج آن نشان‌دهندهٔ سهم بسیار مهمی است که حکومت‌های کارا در افزایش اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی (اعتماد به نهادهای حکومتی) با کاهش سطح فساد دارند. یافتهٔ مهم‌تر این مقاله در نمودار مسیر (شکل ۲) مشاهده می‌شود. سطح کارایی نهادهای نظام سیاسی عامل مهم بودن یا نبودن فساد و همچنین اعتماد است.

پاسخ‌گویی و کنترل در یک حکومت، نوعی سرمایه اجتماعی به وجود می‌آورد که هم متأثر از کنش فاسد دیگران است هم بر استنباط افراد از امکان انجام عمل فاسد تأثیر می‌گذارد؛ به عبارتی، مشاهده حکومت ناکارآمد، بی‌اعتمادی و این تفکر را رواج می‌دهد که برای گرفتن حق باید فاسد بود. فساد از این طریق به سازوکار خود تقویت‌شونده‌ای تبدیل می‌شود که فساد بیشتری را در پی دارد. این یافته بر تأثیر عدالت رویه‌ای در فرایند عملکرد نهادی تأیید می‌کند. عدالت رویه‌ای چیزی جز حاکمیت قانون نیست. عدالت و کارآمدی نهادها، نگرش نسبت به رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. اگر فرد شاهد رشوه‌خواری میان شهروندان باشد، خودش نیز در نقش کنشگر عاقل برای برآوردن نیازهایش ممکن است چنین کاری را انجام دهد و از این طریق اعتماد او به دیگران و نظام کاهش می‌یابد. باید توجه داشت تمام این فرایندها، بازتولید سرمایه اجتماعی به‌طور کل و اعتماد به‌طور خاص را در پی خواهد داشت.

شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی داده‌هایی متفاوت از داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش، رابطه میان کارآیی حکمرانی و حکومت، دموکراسی و اعتماد را بررسی کرده‌اند. بررسی آنها نشان می‌دهد برخلاف آنچه پاتنام ادعا کرده است، سرمایه اجتماعی از پایین و نهادهای مدنی تولید نمی‌شود؛ بلکه بر اثر ظرفیت‌های حکمرانی خوب و از بالا تولید می‌شود. مقاله حاضر نیز همین یافته را در ارتباط با فساد و ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد. استدلال نهایی این مقاله آن است که نوعی علیت قوی بین فساد و تخریب اعتماد در نهادهای عمومی (اعتماد نهادی) وجود دارد. رفتار فاسد، دور باطلی را بین ادراک فساد، سطح پایین اعتماد و استمرار فساد ایجاد می‌کند؛ یعنی نهادهای فاسد، هزینه توافقی‌های فاسد را کاهش می‌دهند؛ اما نهادهای کارآمد نقش بازدارندگی در ارتکاب فساد دارند. برآیند چنین وضعی، جان کلام رثستاین است که اگر نهادهای عمومی فاسد سبب شوند مردم زندگی را برحسب فساد تعریف کنند، امکان رشد اعتماد اجتماعی در جامعه وجود نخواهد داشت. این یافته‌ها همچنین اهمیت ضربه‌نخوردن اعتماد اجتماعی و اعتماد

تأثیر اعتماد به نهادهای فرهنگی، برخلاف پیش‌بینی است. فرضیه ۳، درباره اثر اعتماد به نهادهای حکومتی بر اعتماد اجتماعی نیز با ضریب مسیر ۰/۳۵ تأیید شده است.

تأثیر منفی پاک‌ی و نداشتن فساد در کشورها بر اعتماد به نهادهای فرهنگی نیازمند تبیین است. این بدان معناست که احتمالاً آزادی بیشتر رسانه‌ها که سبب تکثیر رسانه‌ای می‌شود و نیز تجاری‌شدن رسانه‌ها و سایر ویژگی‌های دنیای رسانه‌های کشورهای توسعه‌یافته میزان اعتماد به نهادهای فرهنگی را در اینگونه کشورها کاهش داده است؛ لیکن باید میان اعتماد به نهادهای فرهنگی و ضرورت آزادی آنها تفاوت قائل شد. این یافته با یافته جاناتان مک‌دونالد در کتاب «آمریکایی‌ها به اخبار رسانه‌ای بی‌اعتمادند. چگونه می‌توان آن را بهبود بخشید؟» هم‌سوست که اعتقاد دارد گسترش رسانه‌ها و تنوع سبک‌های خبری (جدید) در کنار افزایش خروجی رسانه‌ها (برنامه‌های انتقادی و کارشناسی)، سبب تکه‌تکه‌شدن صنعت خبری و کاهش اعتماد به رسانه‌ها شده است (McDonald, 2010: 7-9).

شکل ۲ یافته دیگری درباره نظریه رثستاین را نیز بررسی می‌کند. اعتماد نهادی در قوت اعتماد اجتماعی مؤثر است. این شکل در واقع آزمون تجربی این استدلال رثستاین است که اعتماد اجتماعی از بالا تولید می‌شود؛ یعنی نوع خاصی از نهادهای حکومتی، تولیدکننده اعتمادند و همین سازوکار، مردم جوامع اسکاندیناوی (که میزان فساد در آنها در کمترین سطح بین کشورهای جهان است) را متقاعد می‌کند که به جای اینکه اجازه دهند از آنها سوءاستفاده شود، راه همکاری را در پیش گیرند (رثستاین، ۱۳۹۳). ادراک وجود سطح بالای فساد در کشورهای فاسد، سبب بی‌اعتمادی می‌شود و در نهایت بر تجربه فساد اثر می‌گذارد. چرخه فساد با همین عامل به حرکت خود ادامه می‌دهد.

آنچه اعتماد به کنش فاسد را آسان یا آن را منع می‌کند، عملکرد نهادها در اجرای حقوق یا جانب‌داری از حقوق خاص است. اعتماد و باور به وجود حاکمیت قانون و

اصلاح، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: پردیس دانش.

ریگین، ج. (۱۳۸۸). روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، ترجمه: محمد فاضلی، تهران: آگه.

شارع‌پور، م.؛ فاضلی، م. و اقراریان، الف. (۱۳۹۱). «مطالعه بین‌کشوری اعتماد: جامعه‌محوری در مقابل نهادمحوری»، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۱۳، ش ۴، ص ۸۹-۶۰.

فاضلی، م. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر سنجش فساد مالی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Anderson, C. J. & Yuliya, V. T. (2003) "Corruption, Political Allegiances and Attitudes Toward Government in Contemporary Democracies." *American Journal of Political Science*, 47 (1): 91-109.

Bronskov, C. (2003) "Corruption and Social Capital." Available at: <https://pure.au.dk/ws/files/32303928/0003139>

Chang, E. C. C. & Chu, Y. (2006) "Corruption and Trust: Exceptionalism in Asian Democracies?" *Journal of Politics*, 68: 259-271

Cho, W. & Kirwin. M. F. (2007) "A Vicious Circle of Corruption and Mistrust in Institutions in SubSaharan Africa: a micro-level analysis." *Afrobarometer Working Paper*, 71: 1-27.

IMF. (2005) "The IMF's Approach to Promoting Good Governance and Combating Corruption: A Guide." Available at: www.imf.org/external/np/gov/guide/eng/index.htm (accessed 2012.9.26).

Inglehart, R. C. Haerpfel, A. Moreno, C. Welzel, K. Kizilova, J. Diez-Medrano, M. Lagos, P. Norris, E. Ponarin & Puranen, B. et al. (Eds.). (2014) "World Values Survey: All Rounds - Country-Pooled Datafile." Version: <http://www.worldvaluessurvey.org/WVSDocumentationWVL.jsp>. Madrid: JD Systems Institute

La Porta, R. Popez-de-silanes, F. Shleifer, A. & W.Vishny, R. (1997) "Trust in Large Organizations." *Interaction of Economic Institutions and Theory*, 87(2): 333-338.

Lavallée, E. Razafindrakoto, M. & Roubaud, F. (2008) "Corruption and Trust in Political Institutions in Sub-Saharan Africa." *Afrobarometer Working Papers*, 102.

Moreno Ocampo, L. (1995) *Hyper-Corruption: Concept and Solutions*. Presented at the Latin

به نهادها از طریق هر متغیر دیگر را نشان می‌دهند؛ زیرا ممکن است اعتماد به نهادها و اعتماد اجتماعی با تأثیر گرفتن از سازوکارهای دیگری غیر از ناکارآمدی آنها نیز آسیب ببیند. امکان بازتولید چرخه‌های مولد فساد در اینگونه موارد نیز بیشتر می‌شود. یافته‌های این مقاله در سه محور زیر خلاصه می‌شود:

۱- اگر مردم معتقد باشند نهادهای حکومتی فاسدند، بر بی‌اعتمادی آنها به نهادهای حکومتی افزوده می‌شود (در اینجا تنها باور به وجود فساد، سازوکار تأثیرگذاری خواهد بود).

۲- بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی، آمادگی کنش فاسد میان افراد را به هنگام سروکار داشتن با نهادها ایجاد می‌کند؛ یعنی افراد منتظر درخواست رشوه از سوی کارکنان دولتی خواهند بود و این اعتقاد که بدون پرداخت رشوه کارشان راه نمی‌افتد، مقاومت در برابر فساد را کاهش می‌دهد. به‌علاوه، افراد به این درک می‌رسند که ممکن است به کمک فساد به خواسته‌های نامشروع خود برسند. به این ترتیب مسابقه بر سر فساد بیشتر شکل می‌گیرد.

۳- ممکن است افرادی پایبند به اصول اخلاقی باشند؛ اما با باور به سازوکار «فساد مساوی با گشایش کار است»، در نهایت به فرایندهای فاسد وارد شوند و به تدریج نگرش آنها تغییر کند. این فرایند به صورت چرخه‌ای مداوم، دام بی‌اعتمادی و فساد را رواج می‌دهد؛ به عبارتی، فساد بی‌اعتمادی را بیشتر می‌کند و بی‌اعتمادی، به فساد بیشتر می‌انجامد. اینگونه کشورها در دام توالی فساد - بی‌اعتمادی - فساد، روند فقه‌رایی را طی می‌کنند. این چرخه زمانی تضعیف یا متوقف می‌شود که به علت‌های مختلف، کارآمدی نهادی بر اثر اصلاح‌های جدی در ساختار نهادی، سبب بهبود حکمرانی شود.

منابع

رثستاین، ب. (۱۳۹۳). *دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد*، ترجمه: لادن رهبری، محمود شارع‌پور، محمد فاضلی و سجاد فتاحی، تهران: آگه.

رز-اکرم، س. (۱۳۸۵). *فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و*

35(1): 7-10.

American Studies Association, Washington D.C, September 29.

- Mauro, P. (1995) "Corruption and Growth." *Quarterly Journal of Economics*, 110: 681-712.
- McDonald, L. J. (2010) *Why Americans Distrust the News Media and How it Matters?* Washington: Georgetown University.
- Morris, S. & Klesner, J. (2010) "Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence from Mexico." *Comparative Political Studies*, 43(10): 1258-1285.
- Porta, D. (2000) "Social Capital, Beliefs in Government and Political Corruption." In S. J. Pharr, & R. D. Putnam (Eds.), *Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries?* Princeton: Princeton University Press. 202-227.
- Richey, S. (2010) "The Impact of Corruption on Social Trust." *American Politics Research*, 38(4): 676-690.
- Rothstein, B. (2012) "Understanding the Quality of Government in China: The Cadre Administration Hypothesis." *QoG Working Paper Series*, 17.
- Rothstein, B. & Eek, D. (2006) "Political Corruption and Social Trust An Experimental Approach." Sweden: The Qog Institute. In: <http://qog.pol.gu.se>.
- Rothstein, B. & Eek, D. (2009) "Political Corruption and Social Trust: An Experimental Approach." *Rationality and Society*, 21(1): 81-112.
- Rothstein, B. & Stolle, D. (2008) "The State and Social Capital: An Institutional Theory of Generalized Trust." Accepted for publication in *Comparative Politics*. in: <http://qog.pol.gu.se>.
- Seligson, M. (2006) "A Comparative Study of Four Latin American Countries." *The Journal of Politics*. 64 (2): 408-433.
- Svensden, G. T. (2003) "*Social Capital, Corruption and Economic Growth: Eastern and Western Europe* Department of Economics Aarhus School of Business." Working Paper: 3-21.
- United Nations Office. (2007) "*Good Governance Practices for the Protection of Human Rights*." Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. New-York and Geneva.
- Uniting Church in Australia. (2008) *From Corruption to Good Governance Justice and International Mission Unit, Synod of Victoria and Tasmania*.
- W Gray, C. & Kaufman. D. (1998) "Corruption and Development." *Finance & Development*.

